

میرزا کوچک خان قربانی جریان نفاق

محمدعلیشاه دست به اقداماتی زد تا شاید صدای انقلابیون را خفه سازد ولی کاری از پیش نبرد و میرزا کوچک خان در کنار مشروطه طلبان ضربه های محکمی را برپیکر مستبدان زمان وارد ساخت.

نهضت جنگل اوج می گیرد

میرزا پس از نهضت مشروطه، نهضتی را بنیان نهاد که رژیم و بیگانگان تجاوزگر را به لرزه انداخت نهضت جنگل در زمانی پا گرفت که دیو استعمار و استثمار بر ایران زمین سایه افکنده و آن را در جنگال خود می فشرد بهمین دلیل و با وجود زمینه مساعد ناشی از تسلط بیگانگان (روس - انگلیس) و ظلم و جور رژیم های خودکامه حاکم بود، که باعث شد تامل مردم با جان و دل از جنبش مسلحانه جنگل استقبال

* جنایتکاران که از جسد او هم

وحشت داشتند دستور میدهند سر میرزا را از تن بی جان جدا سازند.

کرده و کانون فروزانی را در قلب جنگل برافروزند. بیشتر نیروهای جنبش را کاسب، زارع، خرده مالک، روشنفکر، پیشه ور ... تشکیل میدادند. جنبش مسلحانه جنگل شدیداً متأثر از مکتب اسلام بود و اهداف اصلی آن به نقل از روزنامه جنگل چنین بود: «ما قبل از هر چیزی طرفدار استقلال مملکت ایران هستیم، استقلال بی تمامه معنی کلمه، یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی، اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی که هر چه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است، ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم، همچنین برقراری امنیت و دفع بیعدالتی و مبارزه با خودکامگی و استبداد را میتوان جزء اهداف این نهضت دانست.

بتدریج جنبش بالا گرفت و با اوج گیری آن کنسول روس از همه گیر شدن این حرکت هراسناک گشته و بمنظور بازرسی و یافتن محل اختفای مبارزان جنگل هیئتی را اعزام می کند که

جهاد

یونس معروف به میرزا کوچک خان فرزند میرزا بزرگ اهل رشت ساکن استادسرا در سال ۱۲۹۸ هجری - قمری در یک خانواده متوسط دیده به حیات گشود، یونس از همان آغاز طفولیت به میرزا کوچک شهرت یافت و تا پایان عمر به این نام خوانده شد. میرزا جوانی خود را به تحصیل علوم دینی پرداخت و شناخت او نسبت به اسلام باعث فزونی ایمان و اعتقادش شد. به طوری که تا آخر عمر تجلی این مکتب انسان ساز را در زندگی اش میتوان دید.

میرزا مبارزات خود را با تبلیغ بر علیه علماء الدوله حاکم وقت تهران شروع کرد علماء الدوله یکی از تجار بازار تهران را به چوب بسته بود و همین بهانه ای شده بود برای میرزا و همفکرانش تا تبلیغات ضد رژیم خود را گسترش دهند. میرزا پس از مدتی با توجه به جو سیاسی حاکم بر مملکت و نیاز مردم به مبارزه برای رهایی مردم از سلطه بیگانگان و بیگانه پرستان همانند طلبه های جوان همزمش قدم در راه عمل گذاشت و ب فکر تشکیل گروهی رزمنده افتاد. چرا که او دریافته بود که تنها خبری که میتواند بین مردم مستضعف و محروم با حاکم مستبد و خودکامه حکم راند شمشیر است و گلوله تفنگ. لذا با تهیه چند قبضه تفنگ و پوشانیدن لباس متحدالشکل فنون جنگی را به همزمشانش آموخت.

میرزا بدلیل حساس بودن روی مسائل اعتقادی و اسلامی و آگاهی به شرایط اجتماعی - سیاسی و فرهنگی مردم ایران بشدت با اعمال بلشویکها مخالفت میکرد.

او در جریان نهضت مشروط نقش بسیار مهمی را ایفا نمود. سفر او به روستاهای اطراف رشت و حمایت از کثبازوران ستمدیده ای که علیه مستکبران به قیام برخاسته بودند روحیه ضد استثمار او را نمایان کرد. و او گامهای اولیه در جهت نفی استثمار و مبارزه با آن را برداشت. پس از به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلیشاه، آتش خشم انقلابیون بالا گرفت. و در این هنگام از وحشت خشم انقلابیون

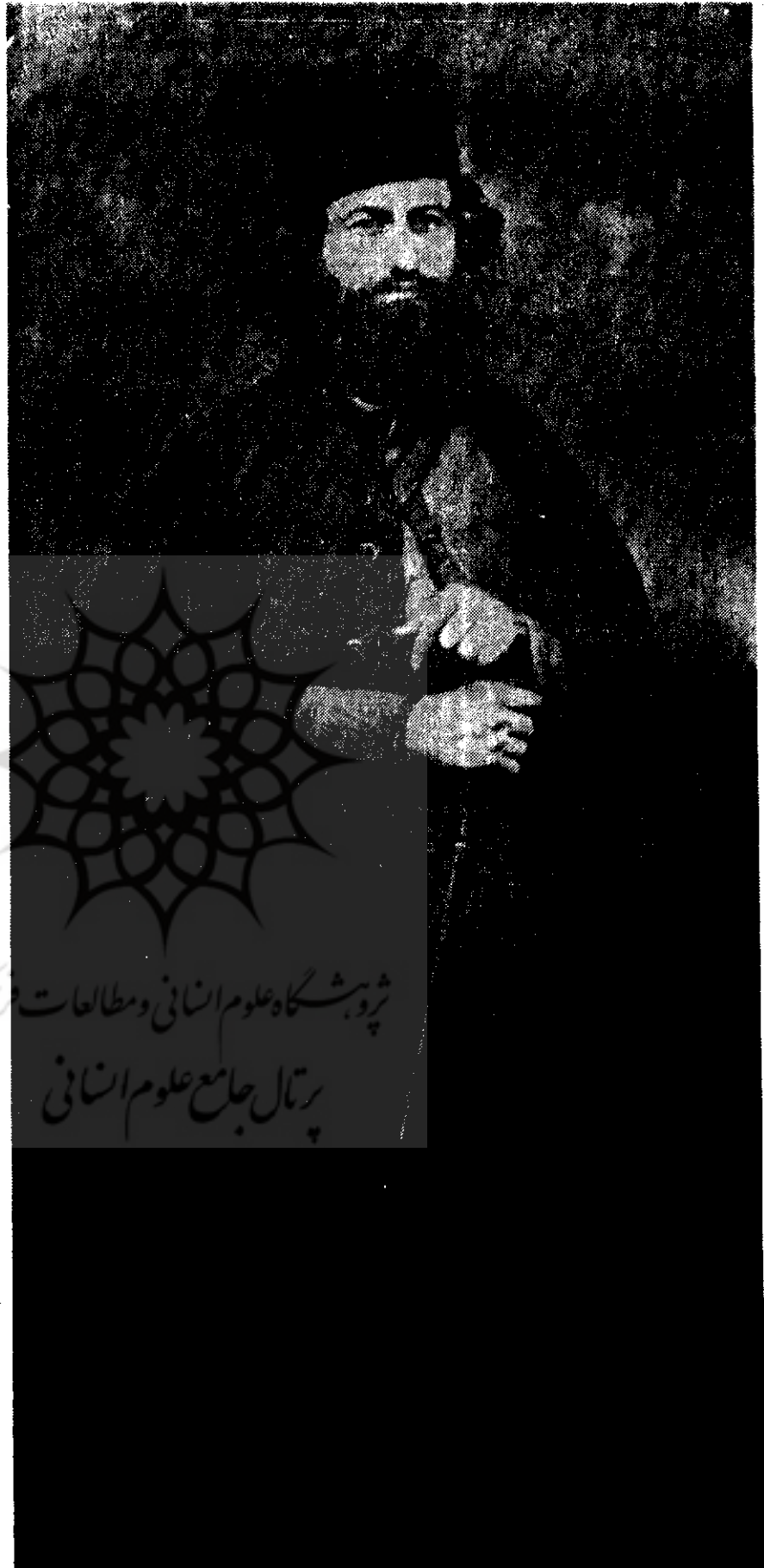
پس از انحرافات که در جنبش مشروطیت پدید آمده و آتش آن قیام رو به خاموشی نهاده بود میرزا کوچک خان مرد دلیر اسلام به جنگل رفت تا مقدمات قیامی بزرگ را فراهم سازد و انقلاب خاموش شده و از یاد رفته را روشن ساخته و جانی دوباره بخشند.

نهضت مشروطیت علیرغم نتایج مثبتی که داشت عملاً نتوانسته بود آن هدفی را که تعقیب مینمود تحقق داده و به مرحله اجرا درآورد.

از طرف دیگر پس از جنگ جهانی اول ابرقدرت روس پا به صحنه نهاده و بر اساس اتحاد متعقد بین روس و انگلیس ایران محل هجوم و ترکانازی دو ابرقدرت شده بود. تا جائیکه نیروهای روسی از شمال ایران تا همدان را در دست داشتند در چنین شرایطی بود که جنبش رهایی بخش ملی در ایران آغاز گشته و گسترش یافت و نهضت انقلابی جنگل به رهبری فرزند خلف این مرز و بوم میرزا کوچک خان جنگلی پا گرفت. بدون شک میتوان گفت که نهضت جنگل در میان نهضت های صد سال اخیر جای مخصوصی دارد و همچون ستاره ای درخشان در تاریخ مبارزات مردم ایران میدرخشد. مبارزاتی که از جنبش تنباکو شروع شد و در سیر تکاملش با انقلاب اسلامی به قله اوج خود رسید. این پدیده در تاریخ معاصر ایران در منطقه گیلان و دریکی از حساسترین دورانه های تحولات

اجتماعی بروز نمود. میرزا کوچک خان تنها شیوه مناسب برای نابودی رژیم را در مشی مسلحانه یافت و به همراه عده ای از یاران و همفکرانش به جنگلهای گیلان رفت و فصلی نو در مبارزات آزادی بخش مردم ایران علیه استعمار و استثمار گشود.

او به جنگل رفت تا شاید باردیگر اندک شراره این شعله پایدار مردمی را در درون جنگل فروزان سازد.



اثری از آنها نمی یابند

زمان هرچه میگذشت وحشت ماموران روسی بیشتر میشد و نیروهای سرکوبگر نیز فزونی میافت. اکثر جنگلهایی که بین ماموران روسی و مبارزان جنگل رخ میداد به پیروزی جنگلیها پایان میافت فقط جنگ ماسوله بود که به شکست انقلابیون جنگل منجر شد و این شکست موجب از هم پاشیدگی قطعی مردان جنگل گشت، سه ماه بعد از این جنگ بود که میرزا کوچک خان دوباره به سازماندهی و انجام نیروهای انقلابی پرداخت. با سخت ترشدن شرایط، نهضت جنگل گسترش یافته و سردانی چون کنسل محمدتقی خان پسیان و حاجی محمد کنگاورزی به نهضت جنگل ملحق شدند و حتی چندبار قواء روس را تا همدان عقب راندند. درگیرودار جنگ جهانی بود که انقلاب روسیه بوقوع پیوست و بلشویکها نیز در اواخر این جنگ به پیروزی رسیدند و نظام استبدادی تزارسم را به نابودی سپردند. این پیروزی تاثیر بسزایی در وضعیت ایران داشت. بر اثر این قیام شوروی مجبور بود که نیروهای خود را از حالت تهاجمی خارج ساخته و عهدنامه استعماری ۱۹۰۷ را که مبنی

* میرزا کوچک خان: ما با شرافت

زیست کرده ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده ایم و با شرافت خواهیم مرد.

بر توافق انگلستان و روسیه برای تقسیم ایران بود ملفی اعلام کند. انگلیسیها از فرصت استفاده کرده و ضرباتی به جنگلیها وارد ساختند که متقابلا جنگلیها پاسح آنها را دادند. بالاخره توافقنامه ای در ۸ ماده بین نیروهای انگلیسی و جنگلیها تنظیم شد که مضمون آن عدم مداخله انگلیس در امور داخلی ایران به شرط عدم همکاری مبارزان جنگل با دشمنان انگلیس ها بود. عقد این قرارداد امکان تجدید سازماندهی را در آن شرایط سخت به آنها میداد. پس از پایان یافتن جنگ جهانی و ثوق الدوله مزدور انگلیس بر مصدر امور می نشیند و باز هم قیام جنگل آماج توطئه ها و حملات ناجوانمردانه دولت مرکزی قرار میگیرد. بدنبال آن عده ای از یاران میرزا توان مقاومت نیارود: و تسلیم شدند از جمله می توان حاج احمد کسایی، دکتر حشمت را نام برد که از رهبران نهضت جنگل محسوب میشدند (هر چند که برخلاف وعده دولت، مبنی بر آزاد کردن دکتر حشمت، وی را اعدام میکنند). تهاجمات نیروهای دولتی همچنان ادامه داشت و نیروهای میرزا کوچک خان در جنگل روبه سستی و پراکندگی میرفت و اکثر مجاهدان دچار

بقیه در صفحه ۳۸

میرزا کوچک خان قربانی جریان نفاق

عنوان که به ما کمک کند تا انگلیس ها را که دشمن مشترکمان میباشد از ایران بیرون کنید و دست خائنین و مستبدین را کوتاه می نمائیم و... به تصدیق همه از اقدامات جلوگیری شد.»

و در جای دیگر میرزا چنین میگوید: «من آلت دست قویتر از شما نشده ام چه رسد به شماها، ما با شرافت زیست کرده ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده ایم با شرافت خواهیم مرد.» و اما دولت ایران برای چندمین بار به مقابله با نهضت جنگل می پردازد. در همین هنگام نیز درگیریهای داخلی اوج بیشتری گرفته و در بر قدرت روسیه و انگلیس هم به وحدت میرسند، مجموعه این عوامل علاوه بر تمامی ضعفهایی که در نهضت جنگل وجود داشت باعث شد که مقدمات شکست نهضت جنگل فراهم شود هر چند که چنین امری برای میرزا و یارانش غیر قابل قبول بود ولی مقدمات اینکار از مدتها پیش چیده شده بود.

درگیریهای داخلی ضربات مهلکی به جنبش جنگل زد در میان یاران میرزا نیز تفرقه افتاد و حتی چند بار توطئه کشتن میرزا بدست یاران خود کشف گردید که در این رابطه یاران باوفای میرزا پیشنهاد از بین بردن منافقان را میدهند اما میرزا در جوابشان میگوید: «من نمیتوانم با کشتن یک عده از یارانی که سالها با من همکاری کرده اند به جرم غفلت موقتی یا ناهلی آنها، موافقت کنم و شما ها هم این فکر را از خود دور کنید.»

بالاخره رضاخان قلدر سپاه فراهم میکند و به سمت شمال میرود و به سرکوب انقلابیون جنگل می پردازد. مبارزان جنگل نیز که بر اثر درگیریهای درونی و رشد جریان نفاق در درون تشکیلاتشان ضعیف شده بودند توان مقابله با رضاخان را نداشتند. لذا بعضی از آنها تسلیم شدند و بسیاری شهید گشتند سربازان رضاخان موفق نمیشوند که میرزا و دوستش کانوک (آلمانی) معروف به هوشنگ را پیدا نمایند ولی پس از مدتی که سردار جنگل میرزا کوچک خان در میان برف و بوران جان میسپارد او را پیدا میکنند. آن جنایتکاران تاریخ از جسد وی نیز وحشت داشتند چرا که دستور میدهند سر میرزا را از تن بی جانش جدا سازند. و بدینگونه بود شهادتی مردی که خود شاهدی بزرگ بر تاریخ گشت. همان کسی که عمری را در راه مبارزه، صرف نمود در پایان عمر فقط یک سکه یک ربالی در جیبش بود اگر چه میرزا کوچک خان شهید شد و نهضت جنگل بظاهر شکست خورد ولی مبارزات او و ایثار و فداکاری اش، استواری و ثبات عقیده اش الهام بخش تمامی مبارزان هر عصر و زمان میباشد.

والسلام
جهاد

مدافعه برخیزند ولی دولت انگلیس فریاد میکند که من اسلام و انصاف نمیشناسم... بنده عرض می کنم انقلابات امروزه دینا، ما را تحریک میکند که مانند سایر ممالک در ایران اعلان جمهوریت داده و رنجبران را از دست راحت طلبان برهانیم ولیکن درباریان تن در نمیدهند که کشور ما با قانون مشروطیت از روی مرام دموکراسی اداره شود با این ادله و جدانم محکوم است در راه سعادت کشورم سعی می کنم و... فقط بین ما و شما را باید خداوند حکم فرماید.»

نفاق از درون ضربه میزند

بالاخره پس از درگیریها و کشمکش های بسیار دولت در صدد صلح برآمده و نماینده ای جهت اینکار معرفی می نماید. این مذاکرات نتیجه مثبتی داشت و توانست تا حدی آرامش را برقرار نماید. همزمان با انقلاب روسیه ارتش سرخ شوروی وارد ایران شده و قرار دادی در ۹ ماده با انقلابیون جنگل (پس از بحث و مذاکرات زیاد) تهیه کرده، شورای انقلاب جنگل تشکیل شده و دولتی نیز معرفی میگردد. عده ای از افراد روسی نیز در این شورا شرکت داشتند. جنگلی ها وارد رشت شده و مقدمات حکومت دولت انقلاب را فراهم میسازند. اما بلشویکها پس از ورود به ایران مواد توافق نامه را زیر پا گذاشته و بدون توجه به زمینه مذهبی - سنتی به تبلیغات مرامی خود زدند و این عمل تاثیرات بسیار بدی را در مردم به جای گذاشت و میرزا که شدیداً روی مسائل اعتقادی و اسلامی حساس بود و از طرفی به شرایط سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مردم خود آگاهی کامل داشت با اعمال بلشویکها مخالفت کرده و تذاکرات لازم را به مسئولینشان داده و لیکن آنها بی اعتنائی کرده و همراه با عده ای از یاران ضعیف النفس میرزا که تحت تاثیر بلشویکها قرار گرفته بودند در صدد توطئه دستگیری و کشتن میرزا برآمدند پیش مذهبی میرزا مانع از آن بود که اصول کمونیسم را بپذیرد و لذا در مقابل گروهی که چشم و گوش بسته دنباله رو حکومت جدید التاسیس شوروی شده بود ایستاد. میرزا طی نامه های متعددی به لنین و سایر رهبران و مسئولین انقلاب روسیه، انحرافات آنها را گوشزد می نماید ولی جواب منطقی نمیشود میرزا در یکی از نامه هایش به «مدیوانی» از اعضای حزب کمونیست روسیه چنین مینویسد:

«نمایندگان روسیه به ایران وارد شدند به این

خستگی، گرسنگی و یاس شده بودند. میرزا در این رابطه چنین میگوید. «این روزها بهترین اوقات آزمایش است. ما روزهای سختی را گذرانده ایم، اینگونه سختی ها دارای اهمیت است. آنروز که ما تنگ به دوش گرفته برای استقلال ایران قیام کردیم و جنگل گردی و بیابان نوردی را پیشه ساختیم سختی های بالاتر از این را تحمل نمودیم این همه مخاطرات را به علت استقامت و تحمل میگردیم میرزا خطاب به یارانش میگوید: «باید مانند گذشته از هیچ چیز پروا نکنیم بایستی با فداکاری هر چه تاوانتر با مشکلات بسازیم و اگر خواهان ترقی و تعالی وطن هستیم درکنار هم بمانیم. کوه نوردی و بیابان گردی، گرسنگی، بی خوابی یک سلاح درخشنده ای است که ما را به وصول به هدف باید سخت تر و آبدیده تر نمایند. فقط از آنها نیکه پیش از این در گام پیمایی در این راه مقدس قدرت مقاومت در خود نمی بینند تمنا دارم (در صورت تمایل به تسلیم یا کناره گیری) اسلحه شان را تحویل نموده تا ما را از آنها وسیله دفاع محروم نکنند و تاثر مفارقتشان را که برای ما بسیار غم انگیز است با فقدان وسایل دفاعی ضمیمه نفرمائید.»

این سخنان میرزا دلیل درک عمیق او از مبارزه و روح پراستقامتش میباشد. با تمام این مشکلات نهضت جنگل همچنان به پیش میرفت و مردم مستضعف و ستمدیده به آن عشق میورزیدند و از هیچگونه کسکی دریغ نمیکردند. به همین دلیل هم بود که دولت اخطاریه های زیادی جهت تهدید مردم و دوری

آنان از مبارزان جنگل را صادر میکرد. وحشت از گسترش ابعاد مبارزات جنگل روسیه را بر آن داشت که فرمانده نیروهای قزاق روسی را همراه با نامه ای به حضور میرزا بفرستد او در آن نامه ضمن تایید جنگل، میرزا را فردی ایده آلیست خوانده و بدینوسیله زمینه سازش را فراهم می نماید که میرزا در جواب آن نکات ایدئولوژیک، سیاسی، مهمی را مطرح میکند... «بنده عرض می کنم تاریخ عالم به ما اجازه میدهد هر دولتی که نتوانست مملکت را از سلطه اقتدار دشمنان خارجی نجات دهد وظیفه ملت است که برای خلاصی و وطنش قیام کند اما کابینه حاضر، میگوید من محض استفاده شخصی باید مملکت را در بازار لندن به ثمن نجس بفروشم. در قانون اسلام مدون است که کنار وقتی به ممالک اسلامی مسلط شوند مسلمین باید به